

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

پژوهش در مباحث بلاغی کتاب مجاز القرآن همراه با ترجمه فارسی آن

جلد اول

استاد راهنما:

دکتر سید حمید طبیبیان

استاد مشاور:

دکتر عبدالحسین فرزاد

پژوهشگر:

عذرا گلبیاتی

۱۳۸۷/۰۳/۱۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

بسمه تعالی

تاریخ:

شماره:

پیوست:

صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم عدرا گلیبائی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان « پژوهش در مباحث بلاغی کتاب مجازالقرآن همراه با ترجمه فارسی آن (جلد یک) » در ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۸۷/۳/۱۲ با حضور استاد راهنما جناب آقای دکتر طیبیان و استاد مشاور جناب آقای دکتر فرزند و اساتید داور جناب آقای دکتر رادفر و جناب آقای دکتر آل قیس تشکیل گردید. پس از شنیدن خطابه دفاعیه، پرسشهای هیأت داوران مطرح گردید و دانشجو به آنها پاسخ داد و از پایان نامه خود دفاع کرد. جلسه موقتاً برای شور تعطیل شد و پس از تشکیل مجدد به اتفاق آراء و با نمره به عدد (۲۰) به حروف (بیست) و با درجه (ب) خانم عدرا گلیبائی به عنوان دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی شناخته شد.

اسامی و امضای هیئت داوران:

❖ استاد راهنما (رئیس هیئت داوران): جناب آقای دکتر طیبیان

❖ استاد مشاور: جناب آقای دکتر فرزند

❖ استاد داور: جناب آقای دکتر رادفر

❖ استاد داور: جناب آقای دکتر آل قیس

❖ رئیس پژوهشکده: جناب آقای دکتر رادفر

❖ مدیر گروه: جناب آقای دکتر رادفر

❖ نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی: سرکار خانم جواهری

نظر اصلاحی هیئت داوران :

## تقدیم

با تشکر از پدر و مادر مهربانم که همواره در طول  
حیات پربارشان از حمایت های بی دریغ آنها  
بهره مند بوده ام.

کتاب *قرآن* - این کتاب آسمانی - از همان آغاز و در تمام قرون متمادی توجه دانشمندان و پیروان بسیاری را برای پژوهش جلب کرد بدان معنا که از صدر اسلام تا کنون کسان زیادی پیرامون مسائل گوناگون قرآن به ویژه فصاحت و بلاغت آن به بررسی عمیق پرداختند که یکی از آن کسان، ابو عبیده است. وی از دریچه فصاحت و علوم بلاغت بدان نگریسته به طوری که از هیچ اهمتی فروگذار نکرده است. بنابراین پژوهش و تحقیق در مسائل گوناگون قرآنی در هر دوره ای چنان باعث گسترده‌گی دامنه تحقیقات شد که حتی خاورشناسان را برانگیخت تا پیرامون آن به مطالعه بپردازند به نحوی که پیامد اهتمام آنان منجر به نشر مهمترین کتب علوم قرآنی شد که از جمله آن کتب، *معانی القرآن*، نگاشته‌فراه (م. ۲۰۷هـ.ق.)، *مجاز القرآن* نوشته‌فراهی (م. ۴۴۴هـ.ق.) و دیگر کتاب‌ها که ذکر همه آنها در این مقال نگنجد.

حال به اختصار به معرفی شخصیت علمی ابو عبیده - این یگانه روزگار خویش - می‌پردازیم. ابو عبیده معمر بن منتهی تیمی نحوی فارسی بصری قرن دوم هجری که نژاد وی یهودی و از مردمان باجروان بود. وی به رغم دانشمندان و مفسران روزگار خویش قرآن را به رأی و نظر قرائت و تفسیر می‌کرد و با وسعت علمی و اشراف به علم ادب و نیز تسلط وی به علوم اسلامی و جاهلی، به هنگام سرودن یا خواندن اشعار مرتکب لحن یا دچار اشتباه می‌شد. از خصوصیات اخلاقی بارز وی همین بس که به سبب بذات لسان و صراحت بیان، هیچ شریف و وضعی از او در امان نبود، لذا به هنگام مرگ وی کسی در تشییع جنازه‌اش حاضر نشد. از آن جا که غیر تازیان را بر تازیان ترجیح می‌داد و اصلاً دشمن عرب بود، او را در ردیف شعوبه قرار داده‌اند. از سویی دیگر چون به ظرائف و لطائف اشعار عرب بسیار آگاه بود، لذا باعث انبساط خاطر بزرگانی چون فضل بن ربیع می‌شد به طوری که بنا به گفته وی وجود عالمی در هر دوره ای با رقیبان و حاسدان همراه خواهد بود که ابو عبیده از وجود حاسدان و رقبای سرسختی چون اصمعی مصون نبود. در حقیقت همو بود که بر کتاب *المجاز* ابو عبیده خرده می‌گرفت و از این که وی قرآن را به رأی و نظر تفسیر و تأویل می‌کرد معترض بود. با وجود این که اصمعی در انشاد اخبار و اشعار از آراستگی بیان برخوردار بود به طوری که هر چیز زشت را زیبا جلوه می‌داد ولی فوائد آن بسیار اندک بود. اما گفتار ابو عبیده با وجود تعابیر بد و ادای نادرست آن تعابیر متضمن فوائد بسیار بود. ناگفته نماند تا هنگام مرگ به تصنیف دویست اثر پرداخت که از جمله آن آثار کتاب

مجازالقرآن است. در حقیقت انگیزه وی در تألیف و نگارش اثر مذکور به سبب پرسش سائلی درباره بیت امرئ القیس بود و آن بیت:

أَيُّتُّلْنِي وَ الْمَشْرِفَى مُضَاجِعِي      وَ مَسْنُونَةٌ رِزْقُ كَأَنْيَابِ اغْوَالِ

لازم با ذکر است هدف وی در تألیف آن به تفصیل خواهد آمد.

بنا به سطور فوق وی صاحب فضایل بسیار و در واقع در دوره خویش بی‌همتا بود. باید خاطر نشان کرد وی به سبب برخوردار بودن از وسعت علمی، گرایش به آیین و مشرب خارجی (خوارج) و بدی لحن در گفتار، دشمنان زیادی داشت که به شمار حاسدان وی افزوده می‌شد لذا او را به تهمت‌های ناروا از جمله یهودی الأصل بودن و از همه مهم‌تر بنا به عقیده برخی منابع به غلامبارگی متهم داشته‌اند.

حال ناگزیریم به بیان موضوع مجازالقرآن گریز بزنییم. همان طور که از نام اثر برمی‌آید موضوع آن بر محور مجاز به معنا و مفهوم گسترده و اعم می‌گردد بدان معنا که هر واژه‌ای در غیر معنای اصلی و حقیقی آن اطلاق شده است. بنابراین مترادف معنایی، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ایهام، اختصار، حذف و اضمار از دیدگاه ابوعبیده مجاز تلقی می‌شود. در حقیقت وی به معنای لغوی واژه توجه کرده است تا به معنای بلاغی. به نوعی می‌توان گفت او به بررسی معنا و مجازهای گوناگون و نیز وجوه مختلف درباره یک واژه یا یک عبارت پرداخته است به طوری که دیگر مفسران از پرداختن بدان مسأله غافل بوده‌اند. در حقیقت او وجوه و نظایر در قرآن کریم را بررسی کرده است. از فحوای متن چنین برمی‌آید که ابوعبیده از منظر وجوه و نظایر، لغات و عبارات را چند معنایی به شمار می‌آورد بدان معنا که یک واژه ممکن است به طرق مختلف دارای چند معنا باشند. لازم به ذکر است محققان و مفسران وجوه و نظایر را در شمار علم آورده‌اند که ابوعبیده به راستی در میان هم‌روزگاران خود بر این علم سوار بوده است. در تعریف آن گفته‌اند: یک واژه در جاهای متعدد قرآن به یک لفظ و حرکت آمده ولی در برگیرنده معنای ویژه‌ای باشد. و اگر واژه‌ای در یک جا ذکر شده بود و همان لفظ مذکور در جای دیگری بیان شده باشد نظایر گویند و تفسیر هر واژه به معنای غیر از معنای دیگر را وجوه نامیدند. (نک: حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق./۱۹۶۷م: ۲/۲۰۰۱) بنا بر تعریفی که ارائه شد می‌توان چنین استنباط کرد وجوه بر معنای اطلاق می‌شود و نظایر بر واژه‌ها. البته افزون بر آن می‌توان گفت هر واژه‌ای که به هنگام کاربرد آن از یک معنا به یک معنای دیگر اعم از معنای حقیقی، مجازی، کنایی، استعاری و یا اشتراک در لفظ یا معنا منصرف شود.

شماره صفحه	عنوان مطالب
۹	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۷ - ۶۵	سخنی پیرامون حقیقت و مجاز
۱۹	جاحظ
۱۹ - ۲۰	ابن قتیبه
۲۰	عبدالقاهر جرجانی
۲۰	امام فخر رازی
۲۰ - ۲۱	زمخشری
۲۱ - ۲۲	شریف رضی
۲۲ - ۲۳	سکّاکي
۲۳ - ۲۴	حقیقت
۲۴	اقسام حقیقت:
	حقیقت لغوی
	حقیقت شرعی
	حقیقت عرفی
۲۴ - ۵۰	مجاز
۲۶	علاقه
۲۶ - ۲۷	قرینه
۲۷	اقسام مجاز:
	مجاز مفرد مرسل
	مجاز مرکب مرسل
	مجاز مفرد بالاستعاره

شماره صفحهعنوان مطالب

	مجاز مرکب بالاستعاره
	مجاز مفرد مرسل
۲۷	علاقه سببیت
۲۷ - ۲۸	علاقه مسببیت
۲۸	علاقه کلیت
۲۸ - ۲۹	علاقه جزئیت
۲۹	مجاز لازمیّت
۲۹ - ۳۰	مجاز ملزومیّت
۳۰	مجاز آلیت
۳۰ - ۳۱	مجاز تقيید و اطلاق
۳۱	مجاز به علاقه عموم
۳۱	مجاز به علاقه خصوص
۳۱ - ۳۲	مجاز به علاقه ماکان
۳۲	مجاز به علاقه مایکون
۳۲ - ۳۳	مجاز به علاقه حالیت
۳۳	مجاز به علاقه محلّیت
۳۳	مجاز به علاقه مُبدلیّت و بدلیّت
۳۳	مجاز به علاقه مجاورت
۳۴ - ۳۵	مجاز به علاقه اشتقاق:
	اطلاق مصدر بر اسم مفعول
	اطلاق اسم فاعل بر مصدر
	اطلاق اسم فاعل بر اسم مفعول



<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان مطالب</u>
	اطلاق اسم مفعول بر اسم فاعل
۳۶	مجاز مرکب مرسل
۳۶	تفاوت مجاز مرکب و مفرد
۳۶ - ۳۸	موارد استفاده از مجاز مرکب مرسل
	(۱) در مرکبات خبری برای بیان و اظهار:
	تحسّر وتأسّف
	ضعف و بیچارگی
	سرور و شادمانی
	دعا
۳۸ - ۴۰	(۲) در مرکبات انشایی:
	تهدید
	تعجیز
	تسخیر
۴۰ - ۴۴	مجاز عقلی
	مشهورترین علاقه ها:
	اسناد اسم فاعل به مفعول حقیقی
	اسناد اسم مفعول به فاعلی حقیقی
	اسناد مصدری
	اسناد زمانی
	اسناد مکانی
	اسناد سببیه یا اسناد فعل به سبب
۴۴ - ۴۷	میزان استفاده از مجاز عقلی در قرآن

شماره صفحهعنوان مطالب

۴۷ - ۵۰

اقسام مجاز عقلی:

ورود مجاز یا استعاره در محکوم‌له و محکوم‌به هر دو

عدم ورود مجاز یا استعاره در محکوم‌له و محکوم‌به هر دو

ورود مجاز یا استعاره تنها در محکوم‌له (مسندالیه)

ورود مجاز یا استعاره تنها در محکوم‌به (مسند)

۴۷ - ۵۰

مجاز عقلی با ورود کنایه:

مجاز عقلی با عدم ورود کنایه در محکوم‌له و محکوم‌به هر دو

مجاز عقلی با ورود کنایه در محکوم‌له و محکوم‌به هر دو

مجاز عقلی با ورود کنایه در محکوم‌له

مجاز عقلی با ورود کنایه در محکوم‌به

۵۱ - ۵۳

استعاره

۵۳ - ۵۷

التفات

۵۴ - ۵۷

اقسام التفات یا وضع ضمیر:

التفات از تکلم به خطاب

التفات از تکلم به غیبت

التفات از خطاب به تکلم

التفات از خطاب به غیبت

التفات از غیبت به تکلم

التفات از غیبت به خطاب

۵۸ - ۶۱

ایجاز

اقسام ایجاز:

ایجاز قصر

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان مطالب</u>
	ایجاز حذف
۶۲	تکرار
۶۳	پی نوشت سخنی پیرامون حقیقت و مجاز
۶۴	تعلیقات سخنی پیرامون حقیقت و مجاز
۶۶ - ۶۷	دبیچه (افق‌های نوین)
۶۸ - ۹۸	زندگی‌نامه ابو عبیده و معرفی نسخ مجاز القرآن
۶۹ - ۷۰	مذهب و دین ابو عبیده
۷۰ - ۷۱	استادان ابو عبیده
۷۱ - ۷۲	جایگاه علمی ابو عبیده
۷۲	فرهنگ و تسلط ابو عبیده در تدوین علوم و تطبیق آنها با هم
۷۳ - ۷۴	ابو عبیده به قلم معاصرانش
۷۴	درک هنری ابو عبیده
۷۴	آثار و تألیفات ابو عبیده
۷۵ - ۷۶	مجاز القرآن
۷۷ - ۷۸	وجه تسمیه کتاب مجاز القرآن
۷۸	معنای مجاز از دیدگاه ابو عبیده
۷۸	روش تفسیر ابو عبیده در مجاز القرآن
۷۹ - ۸۰	روایت‌های گوناگون از کتاب مجاز القرآن
۸۰	نسخه‌های خطی کتاب مجاز القرآن
۸۱	نسخه مرادمنلا
۸۱ - ۸۲	نسخه اسماعیل صائب
۸۲	نسخه مکه

شماره صفحه	عنوان مطالب
۸۲	نسخه تونس
۸۳	نسخه دارالکتب
۸۳ - ۸۴	ارتباط میان نسخه‌ها
۸۴	ارتباط نسخه (S) با نسخه‌های (K.M.T.R)
۸۴	رابطه بین نسخه‌های K.T.R
۸۶ - ۹۲	روش کار ما در تدوین کتاب مجازالقرآن
۹۳	پی نوشت زندگی نامه ابو عبیده...
۹۴ - ۹۸	تعلیقات زندگی نامه ابو عبیده...
۹۹ - ۱۲۹	دیدگاه ابو عبیده پیرامون مجاز در قرآن
۱۰۰	وجه تسمیه کلام خدا به قرآن
۱۰۰ - ۱۰۲	وجه تسمیه سوره
۱۰۲	وجه تسمیه آیه
۱۰۲ - ۱۰۴	نام‌های سوره‌های قرآن
۱۰۴ - ۱۱۹	انواع مجاز از نظر ابو عبیده
۱۲۰ - ۱۲۲	پی نوشت دیدگاه ابو عبیده ...
۱۲۳ - ۱۲۹	تعلیقات دیدگاه ابو عبیده...
۱۳۰ - ۱۳۹	حمد (۱)
۱۴۰ - ۲۰۸	بقره (۲)
۲۰۹ - ۲۴۲	آل عمران (۳)
۲۴۳ - ۲۷۵	نساء (۴)
۲۷۶ - ۳۰۷	مائده (۵)
۳۰۸ - ۳۲۷	انعام (۶)

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان مطالب</u>
۳۲۸ - ۳۵۵	اعراف (۷)
۳۵۶ - ۳۶۹	انفال (۸)
۳۷۰ - ۳۹۰	توبه (۹)
۳۹۱ - ۴۰۶	یونس (۱۰)
۴۰۷ - ۴۲۳	هود (۱۱)
۴۲۴ - ۴۴۲	یوسف (۱۲)
۴۴۳ - ۴۵۹	رعد (۱۳)
۴۶۰ - ۴۷۲	ابراهیم (۱۴)
۴۷۳ - ۴۸۴	حجر (۱۵)
۴۸۵ - ۵۰۰	نحل (۱۶)
۵۰۱ - ۵۲۴	بنی اسرائیل (۱۷)
۵۲۵ - ۵۵۰	کهف (۱۸)
۵۵۱ - ۵۸۵	فهرست آیات
۵۸۶	فهرست احادیث و روایات
۵۸۷ - ۶۰۹	فهرست اشعار عربی
۶۱۰ - ۶۱۳	فهرست اشعار فارسی
۶۱۴ - ۶۱۹	فهرست اصطلاحات ادبی
۶۲۰ - ۶۲۱	فهرست اصطلاحات قرآنی
۶۲۲ - ۶۵۸	فهرست اعلام و القاب
۶۵۹	فهرست امثال عربی
۶۶۰	فهرست امثال فارسی
۶۶۱ - ۶۶۲	فهرست قبایل و فرقه ها

شماره صفحه

عنوان مطالب

۶۶۳ - ۶۷۹

فهرست کتب

۶۸۰ - ۶۸۲

فهرست مکان ها

۶۸۳ - ۶۹۳

فهرست منابع عربی

۶۹۴ - ۷۰۰

فهرست منابع فارسی

۷۰۱ - ۷۰۳

چکیده انگلیسی

## پیشگفتار

سپاس بیکران خداوندی را که سخن در زبان آدمی آراسته و اندیشه در روان عالمی افروخته تا پیام هدایت و سعادت را مشروط به بلاغت و فصاحت روحانی و آسمانی بر شیفته‌دلان زمزمه کند تا صفابخش محفل دردمندان و آرام‌بخش سوخته‌دلان باشد. همان‌طور که می‌دانید ظاهر قرآن زیباست و باطن آن بی‌انتها. عجایب آن فراوان و فوائد آن بی‌پایان. و برای ادای حق آن همین بس که با به کارگیری عقل، دل و زبان خویش زیوری آراسته به کردار، پندار و گفتار نیک را زینده خود سازیم. این کمینه در مقام تشکر از الطاف بی‌دریغ بزرگان دوران جناب آقای دکتر طبیبیان و آقای دکتر فرزاد و نیز از داوران محترم آقای دکتر رادفر و آقای دکتر آل قیس پیوسته در تمام عمر بر خود لازم می‌داند بگوید:

گر شکر شوم شکر تو نتوانم گفت      ور عذر شوم عذر تو نتوانم خواست

از رهگذر سعی بنده بود که در تحقیق و ترجمه این رساله در معرفی شخصیت علمی دانشمند بزرگی چون ابوعبیده و نظرات وی در زمینه بلاغت و فصاحت قرآنی نموده آید. در پایان کار امیدوارم چهره جمال موفقیت در پشت پرده آرزو پنهان نشود، لذا به ناچار در پیشگاه استادان و فرهیختگان سخن شناس و ناقدان سخن سنج با شاعر اینچنین همدم خواهد بود:

گر دسته گل نیاید از ما      هم هیمة دیگ را بشاییم

و امیدوار است بزرگان علم و ادب بر من منت نهند به این رساله که به طور حتم خالی از اشکال نیست به دیده اغماض بنگرند و هرگونه اشتباه اینجانب را گوشزد و راهنمایی نمایند. در خاتمه بر خود واجب می‌دانم از زحمات پدر و مادر مهربانم - که تمام انرژی، جوانی، سلامتی، امید و از همه مهم‌تر صبر و بردباری خود را در وجود من به ودیعت نهادند و هیچگاه خواستار آن امانات نشدند - اظهار امتنان نمایم. و نیز از دوستانم به ویژه خانم بروجرودی و خواهرم شهلا گلبیاتی که در پیشبرد این رساله از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند کمال تشکر را داشته باشم.

کتاب *قرآن* - این کتاب آسمانی - از همان آغاز و در تمام قرون متمادی توجه دانشمندان و پیروان بسیاری را برای پژوهش جلب کرد بدان معنا که از صدر اسلام تا کنون کسان زیادی پیرامون مسائل گوناگون قرآن به ویژه فصاحت و بلاغت آن به بررسی‌های عمیق پرداختند که یکی از آن کسان، ابوعبیده است. وی از دریچه فصاحت و علوم بلاغت بدان نگرسته به طوری که از هیچ اهمیتی فروگذار نکرده است. بنابراین پژوهش و تحقیق در مسائل گوناگون قرآنی در هر دوره‌ای چنان باعث گستردگی دامنه تحقیقات شد که حتی خاورشناسان را برانگیخت تا پیرامون آن به مطالعه بپردازند به نحوی که پیامد اهتمام آنان منجر به نشر مهمترین کتب علوم قرآنی شد که از جمله آن کتب، *معانی القرآن*، نگاشته فراء (م. ۲۰۷ هـ.)، *مجاز القرآن* نوشته ابوعبیده معمر بن مثنی، *التیسیر* تألیف ابوعمر و عثمان بن سعید دانی (م. ۴۴ هـ.) و دیگر کتاب‌هایی است که ذکر همه آنها در این مقال نگنجد.

حال به اختصار به معرفی شخصیت علمی ابوعبیده - این یگانه روزگار خویش - می‌پردازیم. ابوعبیده معمر بن مثنی تیمی نحوی فارسی بصری در قرن دوم هجری از تباری یهودی و از مردمان باجروان بود. وی به رغم دانشمندان و مفسران روزگار خویش قرآن را به رأی و نظر قرائت و تفسیر می‌کرد و با وسعت علمی و اشراف به علم ادب و نیز تسلط وی به علوم اسلامی و جاهلی، به هنگام سرودن یا خواندن اشعار مرتکب لحن یا دچار اشتباه می‌شد. از خصوصیات اخلاقی بارز وی همین بس که به سبب بذات لسان و صراحت بیان، هیچ شریف و وضعی از او در امان نبود، لذا به هنگام مرگ وی کسی در تشییع جنازه‌اش حاضر نشد. از آن جا که غیر تازیان را بر تازیان ترجیح می‌داد و اصلاً دشمن عرب بود، او را در ردیف شعوبیه قرار داده‌اند. از سویی دیگر چون به ظرائف و لطائف اشعار عرب بسیار آگاه بود، لذا باعث انبساط خاطر بزرگانی چون فضل بن ربیع می‌شد به طوری که بنا به گفته وی وجود عالمی در هر دوره ای با رقیبان و حاسدان همراه خواهد بود که ابوعبیده از وجود حاسدان و رقبای سرسختی چون اصمعی مصون نبود. در حقیقت همو بود که بر کتاب *المجاز* ابوعبیده خرده می‌گرفت و از این که وی قرآن را به رأی و نظر تفسیر و تأویل می‌کرد معترض بود. با وجود این که اصمعی در انشاد اخبار و اشعار از آراستگی بیان برخوردار بود به طوری که هر چیز زشت را زیبا جلوه



می‌داد ولی فوائد آن اخبار و اشعار بسیار اندک بود. اما گفتار ابوعبیده با وجود تعابیر بد و ادای نادرست آن تعابیر متضمن فوائد بسیار بود. ناگفته نماند که ابوعبیده تا هنگام مرگ به تصنیف دویست اثر پرداخت که یکی از جمله آن آثار کتاب *مجاز القرآن* است. در حقیقت انگیزه وی در تألیف و نگارش اثر مذکور پرسش سائلی درباره بیت زیر از امرئ القیس بود:

أَيُقْتَلُنِي وَ الْمَشْرِفِي مُضَاجِعِي      وَ مَسْنُونَةُ رِزْقٍ كَأَنْيَابِ اغْوَالِ

یادآور می‌شود که هدف وی از تألیف آن به تفصیل خواهد آمد.

بنا به سطور فوق وی صاحب فضایل بسیار و در واقع در دوره خویش بی‌همتا بود. باید خاطر نشان کرد وی به سبب برخوردار بودن از وسعت علمی، گرایش به آیین و مشرب خارجی (خوارج) و بدی لحن در گفتار، دشمنان زیادی داشت که به شمار حاسدان وی افزوده می‌شدند از همین روی او را به تهمت‌های ناروا از جمله یهودی الاصل بودن و از همه مهم‌تر بنا به عقیده برخی منابع، به غلامبارگی متهم داشته‌اند.

حال ناگزیریم به بیان موضوع *مجاز القرآن* گریز بزنیم. همان طور که از نام اثر برمی‌آید موضوع آن بر محور مجاز به معنا و مفهوم گسترده و اعم آن می‌گردد بدان معنا که مجاز از نظر ابوعبیده به هر واژه‌ای در غیر معنای اصلی و حقیقی آن اطلاق شده است. بنابراین ترادف معنایی، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ایهام، اختصار، حذف و اضممار از دیدگاه ابوعبیده مجاز تلقی می‌شود. در حقیقت وی به معنای لغوی واژه توجه کرده است تا به معنای بلاغی. به نوعی می‌توان گفت او به بررسی معنا و مجازهای گوناگون و نیز وجوه مختلف درباره یک واژه یا یک عبارت پرداخته است به طوری که دیگر مفسران از پرداختن بدان مسأله غافل بوده‌اند. در حقیقت او وجوه و نظایر را در قرآن کریم بررسی کرده است. از فحوای متن چنین برمی‌آید که ابوعبیده از منظر وجوه و نظایر، لغات و عبارات را چند معنایی به شمار می‌آورد بدان معنا که یک واژه ممکن است به طرق مختلف دارای چند معنا باشد. لازم به ذکر است محققان و مفسران وجوه و نظایر را در شمار علم آورده‌اند که ابوعبیده به راستی در میان هم‌روزگاران خود بر این علم سوار بوده است. در تعریف آن گفته‌اند: یک واژه در جاهای متعدد قرآن به یک لفظ و حرکت آمده که در برگیرنده معنای ویژه‌ای است. و اگر واژه‌ای در یک جا ذکر شده بود و همان لفظ مذکور در جای دیگری بیان شده باشد نظایر گویند و تفسیر هر واژه به معنایی غیر از

معنای دیگر را وجوه نامیدند. (نک: حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق./۱۹۶۷م.: ۲/۲۰۰۱) بنا بر تعریفی که ارائه شد می‌توان چنین استنباط کرد وجوه بر معانی اطلاق می‌شود و نظایر بر واژه‌ها. البته افزون بر آن می‌توان گفت هر واژه‌ای به هنگام کاربرد از یک معنا به معنایی دیگر اعم از معنای حقیقی، مجازی، کنایی، استعاری و یا اشتراک در لفظ یا معنا ممکن است تغییر یابد. اگر بخواهیم نمونه‌ای برای اشتراک در لفظ یا معنا بیان کنیم باید واژه عین را مثال بزنیم که هم به معنای چشم است و هم به معنای چشمه. بنابراین واژه مذکور از نظر لفظی مشترک است، زیرا هر دو معنا برای آن وضع شده لذا به هنگام کاربرد آن، معنای حقیقی پیدا کرده است. و یا نمونه‌ای دیگر از جمله واژه رحمة به معنای بهشت که در برگیرنده معنای مجاز از نوع حال، اراده محل می‌باشد. این گونه کاربرد در قرآن فراوان آمده است؛ مثلاً از منظر وجوه و نظایر برای واژه شقاق در قرآن سه وجه قائل شده‌اند:

(۱) به معنای گمراه شدن؛ مانند آیه ذیل:

وَإِنَّ الَّذِينَ اختلفوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (بقره/۱۷۶): آنان که اختلاف کردند در کتاب همانا ایشان در گمراهی دور از حق‌اند.

(۲) به معنای با یکدیگر خلاف کردن؛ چنان که در آیه ذیل آمده است:

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا (نساء/۳۵): و اگر بیم داشتید از اختلافی میان آنان.

(۳) به معنای دشمنی؛ همان طور که در آیه ذیل آمده است:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ (انفال/۱۳): این بدان است که درافتادند با خداوند و رسولش.

بنا بر سطور فوق یک واژه در قرآن چنان به صورت نفوذ ناپذیری بیان شده که با وجود تشابه لفظی و حرکتی معنایی غیر از معنای نخست را به خود اختصاص داده است، برای همین کتاب *مجاز القرآن* را می‌توان در ردیف تفسیرها قرار داد چرا که از این دریچه نگریستن به تفسیرگونه بودن آن می‌توان پی برد. از آن جا که قرآن پژوهانی چون ابو عبیده بر این باورند یافتن واژه‌هایی ناآشنا و بیگانه و درک واژه‌ها و عبارات قرآن بسیار حائز اهمیت است برای همین همو (ابو عبیده) برای یک لفظ، معانی بی‌شماری را به رأی و نظر خود بیان می‌کند در عین حال که هیچ تناقضی با هم نداشته باشند، به طوری که یک لفظ حامل تمام معانی باشد.

کتاب *مجاز القرآن* ابوعبیده به تصحیح و تعلیق دکتر محمد فؤاد سزگین دو جلد است که پژوهش و ترجمهٔ جلد اول را این کمینه به عهده گرفت تا کمی به بسط علم اندک خود بیفزاید. اثر مذکور شامل دیباچه‌ای به قلم امین الخولی و مقدمه‌ای نسبتاً طولانی به قلم دکتر محمد فؤاد سزگین است که در آن به معرفی شخصیت ابوعبیده، دیدگاه وی پیرامون مجاز و نسخ گوناگون/المجاز پرداخته است و نیز مقدمهٔ ناشر که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۴ هـ. ق. / ۱۹۵۴ م. توسط محمد سامی امین الخانجی در مصر صورت گرفته است. کتاب مذکور علاوه بر موارد بالا به بحث و بررسی هجده سوره (از ابتدای سورهٔ حمد تا پایان سورهٔ کهف) از دیدگاه مجاز پرداخته است. مصحح این اثر در حواشی و پاورقی‌های موجود در کتاب به بیان ارتباط نسخ مختلف و مقایسهٔ آنها پرداخته است.

روش ابوعبیده بدین ترتیب است که هر آیه‌ای را که به بحث و بررسی نیاز داشته، ضمن بیان عقاید مفسران و قراء مطرح کرده است. همان طور که پیشتر گفته آمد وی از دریچه‌های گوناگون به آیات قرآن نگرسته بدان معنا که گاهی تفسیر و شرح و تأویل معنا و فحوای آیه را محور کار خویش قرار داده و مواقعی نیز موارد صرفی و نحوی آیه را مد نظر داشته است سپس برای تأمین و اثبات درستی سخن خویش و دیگر قراء موافق و رد قاریان مخالف به احادیث و روایات، اقوال، امثال و اشعار شعرای جاهلی، مخضرم و اسلامی استشهاد نموده است و در برخی مواقع نیز برای بیان مفهوم دقیق و آگاهی خواننده به شرح و تفسیر آن اقوال و اشعار پرداخته است. البته بیان این مطلب ضروری است که وی به بیش از پانصد بیت استشهاد کرده که برخی ابیات بنا بر نسخهٔ (R) اصلاً وجود خارجی ندارد در صورتی که در نسخ گوناگون مندرج در حواشی *مجاز القرآن*، آن ابیات ذکر شده که نگارندهٔ سطور ضمن متن در پاورقی بدان اشاره نموده است. حال بنای انقطاع ناگهانی ترتیب اشعار را می‌توانیم بر اشتباه شدن ترتیب شمارهٔ ابیات یا از قلم افتادن آن ابیات و یا اشتباه چاپی بدانیم که بعید به نظر می‌رسد قصور از جانب مصحح باشد. در هر صورت نگارنده ترتیب ابیاتی که به طور محسوس و ملموس به اشتباه ثبت شده بود تصحیح کرده است.

مصحح کتاب با در دست داشتن نسخ مختلف، نسخهٔ مرادمنلا (R) را منقح‌ترین و گزیده‌ترین نسخه دانسته لذا برای بهره‌گیری بیشتر در تعلیق و تصحیح اثر ابوعبیده، آن را اصل قرار داده است. ناگفته نماند از نظر وی نسخهٔ (R) به متن کتاب نزدیک‌تر می‌نمود.

و اینک روش کار نگارنده:

مطالب مندرج در رساله شامل پیشگفتار، مقدمه‌ای نسبتاً طولانی پیرامون حقیقت و مجاز و به طور کلی در سیر بلاغت ایراد شده است که پس از تعریف مختصر درباره برخی صنایع هنری سخن و بیان عقاید بلاغیون به ذکر مثال‌های عربی و فارسی اعم از نظم و نثر پرداخته است. ارجاعات درون متن به ترتیب نام نویسنده، سال چاپ، جلد و سپس شماره صفحه یا ذیل آورده شده است؛ به عنوان نمونه حرف (خ) علامت اختصاری منظومه خسرو و شیرین نظامی است. و نیز شامل دیباچه، ترجمه و بررسی سوره‌ها و اشعار، فهرست احادیث و روایات، اشعار عربی و فارسی، اصطلاحات ادبی و قرآنی، اعلام و القاب، امثال عربی و فارسی، آیات، کتب، مکان‌ها، منابع عربی و فارسی و در پایان چکیده انگلیسی می‌باشد. لازم به ذکر است فهرست‌ها به ترتیب حروف کلمه آغازین است. این رساله شامل پاورقی، پی‌نوشت و تعلیقات است که پاورقی‌ها مربوط به متن کتاب *مجاز القرآن* است. در پایان هر مبحث ابتدا پی‌نوشت و سپس تعلیقات برای روشن شدن هر چه بیشتر مطالب متن بیان شده است. و برای پی‌نوشت‌ها و تعلیقات به هنگام تاپ دو گونه خط اختیار شد. پس خواننده به هنگام مطالعه با چهار گونه عدد که هر کدام نشانگر معنایی خاص است مواجه خواهد شد. اعدادی که به تنهایی ضمن متن می‌آید نشان پاورقی، اعداد داخل گیومه نشان پی‌نوشت، اعداد داخل پرانتز نشان دهنده تعلیقات و اعداد ستاره دار بیانگر شماره ابیاتی است که شرح و توضیح آنها در پاورقی قید شده است.

زمانی که ابیات برخی شاعران الحاقی به نظر می‌رسید، تنها به صورت **به نقل از...** ارجاع داده شده است. نگارنده در کار تحقیق و پژوهش اثر ابو عبیده به روش دکتر فؤاد سزگین عمل کرده بدان معنا که در برگرداندن متن به ویژه آیات و ابیات خود را ملزم به استفاده از مراجعی در این زمینه‌ها می‌دانست بنابراین منابع ذیل از مهم‌ترین کتبی است که در روند کار و فهم و درک مطالب، بسیار مؤثر و مورد استفاده قرار گرفته است. آن‌ها عبارتند از: *قرآن کریم، تفسیر طبری، تفسیر ابوالفتح رازی، تفسیر تبیان، کشف الأسرار، روض الجنان، مجمع البیان، شرح ابن عقیل...* البته ناگفته نماند برخی مواقع معنای برخی آیات به صورت تلفیقی ذکر شده است تا ابهام آن کاملاً رفع شود. از آن جا

که معانی اشعار در *روض الجنان* در بخش فهرست اشعار عربی گنجانده شده بود، لذا در ارجاع به آن در رساله موجود تنها به ذکر نام نویسنده، سال چاپ و جلد اکتفا نمودیم.

همان طور که پیشتر اشاره شد در اثر مذکور علاوه بر ناهماهنگی ابیات، چه از نظر محتوا و چه از نظر ترتیب، به عدم ترتیب آیات نیز برمی‌خوریم که نگارنده تا مرز رعایت امانت به خود این جسارت را روا داشته به تصحیح برخی آیات و ترتیب آنها پرداخته که موارد تصحیح شده به ترتیب ذیل می‌باشد:

(۱) ثبت شدن شماره آیه ۱۵۹ سوره اعراف در متن *المجاز* به شماره ۱۲. و یا ثبت آیه ۶۹ سوره بنی اسرائیل به شماره ۵۹. نکته لازم به یادآوری این است که به طور مسلم ابو عبیده در قرائت و ثبت آیات متکی به قوه حافظه خویش بوده است، زیرا برخی از آیات مندرج در اثر وی در مقام مقایسه با *قرآن کریم*، تفسیر طبری و *کشف الاسرار* - که اساس کار در ترجمه آیات قرآن در این رساله است - کمی متفاوت بود؛ به عنوان نمونه آیه ۹۹ در سوره اعراف به صورت *أولم نهد للذین...* ذکر شده، حال آن که در منابع مذکور به صورت *أولم یهد للذین...* ثبت شده است. در این گونه موارد سعی در تصحیح آن اعمال می‌شد.

(۲) گاهی اشکالات صرفی یا نحوی در متن نمایان بود که نحوه اصح آن را بنا به قواعد صرف و نحو و معنا برگزیده و تغییر می‌دادیم؛ مثلاً بیت \*۳۸۷ (ابراهیم/۱۶) با *أترجو بنی مروان...* آغاز شده که با تکیه بر موارد فوق به *أترجو بنو مروان...* تغییر داده شد.

و یا اصلاح بیت \*۲۵ (انعام/۲۵) به شماره \*۵۲ (بقره/۸۷)، و یا بیت \*۸۲ (اعراف/۱۱) به \*۲۳ (حمد/۷)، یا بیت \*۱۷۴ (نحل/۲۳) به شماره \*۱۷۵ (مائده/۲)، یا بیت \*۱۶۸ (انفال/۱۹) به شماره \*۱۶۹ (نساء/۱۴۰)، بیت \*۱۶ (توبه/۲) به \*۱۷ (حمد/۵)، بیت \*۲۷ (توبه/۳۴) به \*۴۸ (بقره/۴۵) و یا بیت \*۲۱۴ (یوسف/۱۰۷) به \*۲۱۹ (انعام/۵۵)، بیت \*۶۸ (کهف/۴۳) به \*۱۶۹ (نساء/۱۴۰). ناگفته نماند که مصحح کتاب برخی مواقع به نبود بیتی در پاورقی اشاره کرده که از جمله آن ابیات بیت \*۳۵۰، \*۴۷۸ است. (نک: مثنی تیمی، ۱۳۷۴ هـ. / ۱۹۵۴ م. / ۱: ۴۰۶، ۳۰۹) به عقیده نگارنده تصحیح ترتیب آیات و ابیات تکراری واجب و ضروری می‌آمد، زیرا عدم تصحیح این موارد باعث ناهماهنگی و ناهمخوانی از جهت محتوا و مضمون می‌شد.

اشاره کردن به وجود اختلاف جزئی در برخی کلمات یا ابیات که ضمن تحقیق در پی نوشت‌ها بدان اشاره می‌شد؛ مانند بیت \*۲۹۶ (توبه/۸۱) که این گونه آغاز می‌شود: عقب الدیار... ولی در سوره بنی اسرائیل آیه ۷۶ به صورت عفت الدیار... ذکر شده است. یا کاربرد واژه صداد در بیت \*۳۴۱ (هود/۱۱۷) به جای کلمه انداد (ابراهیم/۳۰).

و یا آمدن فعل یکشف در بیت \*۴۰۷ (حجر/۲۲) به جای تکشف (بنی اسرائیل/۳۱).  
و یا ذکر واژه غاضی در بیت \*۴۰۶ (حجر/۲۲) به جای غاضی (بنی اسرائیل/۳۱).  
بیان واژه أقد در بیت \*۲۷۱ (اعراف/۲۰۴) به أقص (همان/۱۵).

البته به سبب عدم ترتیب مصرع‌های برخی ابیات مکرر جابجایی صورت گرفته که خللی در معنای آن به وجود نمی‌آورد لذا به اصلاح آن پرداختیم؛ مثلاً مصرع‌های بیت \*۴۰۴ و ما بعد آن با توجه به همان بیت در جای دیگر به صورت ضربدری جابجا شده است. (نک: مثنی تیمی، ۱۳۷۴هـ. / ۱۹۵۴م.؛ ۳۶۳/۱، ۳۴۸) از جمله مواردی که تصحیح آن واجب می‌نمود شماره گذاری برخی سوره‌های ضمن متن بود؛ مثلاً سوره مسد با شماره ۱۸ ثبت شده حال آن که این سوره صد و یازدهمین سوره قرآن محسوب می‌شود. (همان، ص ۲۹۹) با توجه به این که ارجاعات در پاورقی *المجاز*، هم به نام نویسنده و هم به نام اثر و حتی گاهی به نام هر دو بود لذا برای رفع ابهام خواننده فهرست منابع کتاب *مجاز القرآن* را با ذکر نام نویسنده و نیز اثر وی به ترتیب الفبایی مرتب کرده ایم و جاهایی که تکراری بود با علامت فلش مشخص کردیم.

هم و غمّ این کمینه در برگرداندن متن ابو عبیده بر این امر استوار بوده که ضمن رعایت امانت به توضیح و تفسیر نکاتی بپردازد که مصحح به اختصار بدان‌ها اشاره نموده یا از بیان آنها صرف نظر کرده است. و تا حدّ امکان سعی نموده سامانه عربی متن به ویژه دیباچه و مقدمه کتاب با همان ترتیب حفظ شود ولی برخی مطالب از جمله صرف و نحو ایجاب می‌کرد کمی پا را فراتر گذاشته و آزاد ترجمه کند. همان طور که پیشتر اشاره شد انگیزه و هدف نگارنده علاوه بر افزودن گستره علم خویش در پژوهش و برگرداندن اثر مؤلف تنها اهتمام و کوششی است تا دانش‌اندوزان بتوانند هر چه بیشتر و بهتر با مؤلف و اثر وی آشنا شوند و امیدوار است ضمن تحقیق توانسته باشد مطالب کتاب را از زبان مبدأ به منزل مقصد برساند. و در پایان بر خود واجب می‌داند از زحمات و رهنمودهای بیکران استادان بزرگوار جناب آقای دکتر طیبیان و آقای دکتر فرزاد و نیز آقای دکتر رادفر که از هیچ رهنمودی دریغ نورزیده اند اظهار تشکر نماید.